

بازیگران پرکار یک سال اخیر شبکهٔ نمایش خانگی نشان می‌دهد همه‌چیز در حال تکرار است

این چند نفر!



مریم فضائی
خبرنگار گروه فرهنگ

اگر شما فردی باشید که شبکه نمایش خانگی را نه به صورت همیشگی که متناسب با سلیقه و نظرانی که شنیده‌اید نگاه می‌کنید، حتماً متوجه شده‌اید که برخی از بازیگران شناخته‌شده در این چند سال، از سریالی به سریال دیگر و از برنامه‌ای به برنامه دیگری می‌روند. با اینکه برخی از این بازیگران، در سریالی نقش اصلی را بازی کرده و در سریالی دیگر نقش‌های فرعی به آن‌ها سپرده شده، اما بودنشان موضوعی تقریباً واجب است. این موضوع، حتی در برنامه‌های سرگرم‌کننده مانند رئالیتی‌شوها و گیم‌شوها و تاک‌شوها هم وجود دارد. آن‌هایی که در برنامه‌ای میزبان و مجری به حساب می‌آیند، در برنامه‌ای دیگر، خودشان مهمان هستند و در چند قسمت دیده

دست‌های پشت پرده

اصطلاح «دست‌های پشت پرده» را شاید بیشتر در دنیای سیاست و اقتصاد شنیده‌اید؛ اما چه کسی گفته در دنیای هنر و رسانه این اصطلاح بی‌معناست؟ نگاهی به روندهای شبکه نمایش خانگی کافی است تا رد پای همان دست‌های پنهان را ببینیم. حضور دست‌های پشت پرده در شبکه نمایش خانگی موضوع غیرقابل انکاری نیست. هرچه تنوع شبکه نمایش خانگی، بیشتر و محتواها متنوع و جذاب‌تر شود، تعداد تصمیم‌گیرندگان هم محدودتر شود. واقعیت این است که در پس ظاهر رنگارنگ و گاه پر زرق‌وبرق شبکه نمایش خانگی یک حلقه غیررسمی اما بسیار تأثیرگذار قرار دارد، حلقه‌ای که نقش اصلی را نه جلوی دوربین که پشت پرده بازی می‌کنند. این محفل از حدود ۱۰ نفر که عملاً بسیاری از تصمیم‌های کلان این صنعت را در اختیار دارند تشکیل شده. آن‌پول‌های قلمبه‌سلمبه‌ای که در شبکه نمایش خانگی باب شده و حتی باقی سکوهای پخش را هم تحت‌تأثیر قرار داده تنها در جیب قدر نفوذ می‌رود، ایده‌های جذاب به اسم چند نفر تمام می‌شود و در نهایت، حتی هنر هم برای همگان نیست و صرفاً برخی به اسم خود مصادره کرده‌اند. این افراد که بعضی‌شان سابقه‌ای در بازیگری، تهیه‌کنندگی، یا سرمایه‌گذاری سینما داشته‌اند، اکنون به‌واسطه روابط شخصی و

چرا بازیگر جدید نمی‌بینیم؟

تا چند دهه قبل، اگر چه چراغ سینما و تلویزیون در ایران آن‌قدرها پر نور نبود، اما برای استعدادهای جوان مسیری هر چند باریک وجود داشت. از کلاس‌های بازیگری و صحنه تئاتر گرفته تا فیلم‌اولی‌ها و تئاترها. در سریال‌های تجربی، در هر مقطع، کسی کشف می‌شد. اما حالا در این دوره و زمانه، دیگر هیچ حد و حدودی برای انتخاب بازیگران وجود ندارد. در عوض، همان چند چهره آشنا، مدام بین پروژه‌های مختلف دست‌به‌دست می‌شوند؛ یک روز نقش اول سریال می‌شوند، روزی دیگر مجری تاک‌شو و هفته بعد، مهمان یک گیم‌شوی چند قسمتی. واقعیت این است که هر بازیگری باید از یک جایی شروع کند. شاید ساده‌ترین راهی که به نظر برسد، پارتهی‌بازی باشد. اما قطعاً راه‌های درست‌تری هم وجود دارد که واقعاً توانایی و مهارت رکن اساسی و تأثیرگذار شناخته شوند. برگزاری شرکت در آموزشگاه‌های بازیگری یکی از آن مسیرهایی است که این دوره و زمانه بسیار باب شده. اما متأسفانه بعد از شرکت در این دوره‌ها و خرج کردن هزینه‌های بسیار زیاد برای شرکت‌کردن، در نهایت باز هم نیاز به آشنایی وجود

می‌شوند. اما باز هم چیزی که مهم است حضورشان است. چرا فقط تعدادی از بازیگران، در یک دور حضور در شبکه نمایش خانگی افتاده‌اند و کمتر به دیگران فرصت ظهور و بروز داده می‌شود؟ در این گزارش فهرست ۲۰ ستونی، نام بازیگرانی که در دو یا بیش از دو کار تولیدشده در شبکه نمایش خانگی بازی کردند، آمده است. برخی از این افراد در سریالی نقش اول بوده و در سریالی دیگر، نقشی فرعی داشته‌اند. البته جواد عزتی، در هر دو اثری که در یک سال اخیر بازی کرده، نقش اصلی داشته. اما برای مثال، مهران مدیری در برنامه گیم‌شوی «گل یا پوچ» میزبان بوده و در سریال «تاسیان» جزء بازیگران مکمل حساب می‌شود. اما در «قهوه پدري» جزء نقش‌های اصلی حساب می‌شود. این‌ها تنها نمونه‌ای از بازیگران سرشلوغ یک سال اخیر بودند.

شبکه‌سازی اقتصادی، تبدیل به تصمیم‌گیرنده اصلی پروژه‌های هنری شده‌اند. آن‌ها هستند که مشخص می‌کنند چه کسی به‌عنوان کارگردان انتخاب شود، چه بازیگری در چه نقشی ظاهر شود و حتی چه کسی مجوز سرمایه‌گذاری بگیرد. کار این شبکه غیررسمی به جایی رسیده که حتی راننده‌های برخی از افرادی که زمانی به‌عنوان بازیگر شناخته می‌شدند و بعد به تهیه‌کننده یا سرمایه‌گذار تبدیل شدند، حالا خودشان هم به‌عنوان تهیه‌کننده شناخته می‌شوند.

این وضعیت یادآور دوره‌ای تاریخی در سنینمای ایران است. در سال ۵۶، چهره‌هایی چون فردین از قدر انحصارگر شده بودند که در ۴۰ سالگی، نقش جوان ۲۰ ساله را بازی کرد! این نه‌تنها باعث تمسخر عمومی شد، بلکه یکی از دلایل ورشکستگی سینما در آن سال‌ها شناخته می‌شود. تاریخ دارد تکرار می‌شود، اما این بار نه روی پرده‌ی تهره‌ای، بلکه در قالب پلتفرم‌هایی که آمدند تا هنر را گسترش دهند، اما سنگ‌های جدیدی در این مسیر ایجاد کردند. اگر این روند ادامه پیدا کند، شبکه نمایش خانگی همان راهی را خواهد رفت که تلویزیون و بخشی از سینمای تجاری در دهه‌های اخیر رفته‌اند: سقوط تدریجی کیفیت، بی‌توجهی به سلیقه مخاطب و از همه مهم‌تر نابودشدن استعدادهای شکفته‌نشده.

دارد که افراد بتوانند چند لحظه‌ای جلوی دوربین بازی کنند. البته میسران بازی کردن افراد، به میزان کلفتی پارتهی و میزان هزینه‌ای که می‌کنند برمی‌گردد. اینجاست که نقش «محفل ۱۰ نفره» پررنگ می‌شود؛ گروهی محدود که پشت‌پرده تصمیم می‌گیرند چه کسی بازی کند و چه کسی هرگز دیده نشود. این اتفاق باعث شده تا تمام راه‌های رسیدن به هنر بازیگری، بی‌ثمر دانسته شود. نبود یک نهاد ناظر یا سازوکار ارزیابی استعداد بازیگران باعث شده که هیچ‌کس، هیچ‌جا، به شکل رسمی و حرفه‌ای انتخاب نشود. فقط رابطه است که همه چیز را تعیین می‌کند. در کشورهای دیگر، بازیگران معمولاً از مسیرهایی حرفه‌ای عبور می‌کنند؛ آژانس‌های بازیگری، انجمن‌های صنفی و تست‌های گزینش واقعی. اما در ایران نه این مسیرها به‌درستی تعریف شده‌اند و نه کسی هست که مسئول انتخاب یا نظارت باشد. به همین دلیل، روند ورود به دنیای بازیگری شبیهی یک در بسته است که کلیدش فقط دست یک عده خاص است.

آن‌هایی که نردبان شدند

حالا که موضوع بازیگران پرکار یک سال اخیر شبکه نمایش خانگی بهانه‌ای شده برای پرداختن به وضعیت بازیگران پرکار و مسیری‌های بسته، بد نیست نگاهی هم به گذشته بیندازیم؛ به زمانی نه‌چندان دور که برخی از چهره‌های شاخص سینما، با نگاهی تازه و دغدغه‌مند، به‌جای تکرار چهره‌های آشنا، فرصت را به نسل تازه دادند و مسیرهای حرفه‌ای را برای تازه‌واردها باز کردند. بسیاری از کارگردانان جریان‌ساز دین خود را به سینما با معرفی چهره‌هایی که امروز به‌عنوان بازیگران درجه یک شناخته می‌شوند، ادا کردند.

مثلاً داریوش مهرجویی با فیلم «درخت گلابی»، گلشنیته‌فراهانی را به سینمای ایران معرفی کرد. مهرجویی همچنین با فیلم «پری»، نیکی کریمی را از مهاجرت منصرف کرد و دوباره به سینما برگرداند. مسعود کیمیایی در دهه ۷۰، بازیگرانی چون هدیه تهرانی، فریبرز عرب‌نیا، محمدرضا فروتن و پارسا پیروفر را با فیلم‌هایی مثل «سلطان»، «ضیافت» و «مرسدس» به اوج رساند و مسیر حرفه‌ای آن‌ها را رقم زد. رسول صدرعاملی هم به‌عنوان یکی از کارگردان‌هایی شناخته می‌شود که جسارت معرفی چهره‌های تازه را داشت. ترانه علیدوستی، پگاه آهنگرانی و سها نیاستی با نقش آفرینی در آثار او به شهرت رسیدند. حسن فتحی نیز با نگاهی حرفه‌ای و تئاتری، بازیگران جوان را در نقش‌های مکمل وارد جریان اصلی کرد. چهره‌هایی مثل پریناز ایزدیار، طناز طباطبایی، مهدی سلطانی، هومن برق‌نورد و نسیم ادبی از دل

همین همکاری‌ها به مخاطبان معرفی شدند. بهروز افخمی نیز در کنار ساخت آثار جریان‌ساز، بستری برای ورود چهره‌های تازه فراهم کرد. ابوالفضل پورعرب از جمله بازیگرانی است که با فیلم‌های او به شهرت رسید و مسیر حرفه‌ای‌اش را آغاز کرد. محمدحسین مهدویان هم با نگاهی نسل‌ساز، بازیگرانی چون هادی حجازی‌فر را به سینمای جریان اصلی آورد و به تثبیت جایگاه آن‌ها کمک کرد. احمدرضا درویش با نگاه متفاوت خود به سینمای دفاع مقدس، زمینه‌ساز درخشش بازیگرانی مثل کامبیز دبیرباز شد و نقش مهمی در شناساندن آن‌ها به مخاطب ایفا کرد.

ابراهیم حاتمی‌کیا، هرچند کمتر به‌عنوان استعدادیاب شناخته می‌شود، اما در آثارش بازیگران تئاتری‌ای چون علی‌دهکردی، پرویز پرستویی، هما روستا و حبیب رضایی را به کار گرفت و از طریق فیلم‌هایی مثل «ازرخه تا راین» و «آژانس شیشه‌ای» آن‌ها را به سینمای جریان اصلی آورد. همه این‌ها نشان می‌دهد اگر کسانی که دستان به جایی می‌رسد، به‌جای تمرکز صرف بر نام‌های بزرگ و فروش فوری آثار، نگاه بلندمدت‌تری داشته‌باشند، هنوز هم می‌توانند در مسیر تربیت و معرفی چهره‌های تازه گام بردارند. البته این تربیت، تنها به حوزه بازیگری محدود نمی‌شود؛ بلکه در بخش‌های محتوایی مثل نو پسندگی و حوزه‌های فنی مثل فیلم‌برداری، صداگذاری و... نیز باید اتفاق بیفتد.

تلویزیون، سینما و شبکه نمایش خانگی: یک مثلث بی‌نظم

است. برای مثال جشنواره فیلم فجر یکی از جاهایی است که امکان دیده‌شدن افراد در آن وجود دارد. امروز با وجود این که سینما همچنان می‌تواند این نقش کلیدی را ایفا کند، آن رویکرد فعال و جسور کمتر دیده می‌شود. به‌جای کشف استعداد، بیشتر پروژه‌ها به دنبال اطمینان از فروش هستند و این یعنی پناه‌بردن به همان بازیگران پرکار. همان چهره‌های تکراری. درحالی‌که ظرفیت سینما برای تولد چهره‌های نو هنوز وجود دارد این فرصت‌ها به دلیل نگاه تجاری صرف به هدر می‌روند. سینما می‌تواند و باید به مسیر گذشته‌اش برگردد؛ مسیری که در آن تربیت بازیگر بخشی از هویت حرفه‌ای سازندگانش بود.

فهرستی از بازیگران پرکار یک سال اخیر شبکه نمایش خانگی

نام بازیگران	تعداد بازی‌ها	نام سریال‌ها
جواد عزتی	۲	وحشی - زخم‌کاری
مهران مدیری	۳	گل یا پوچ - تاسیان - قهوه پدري
صابر ابر	۳	تاسیان - کنکل - بازنده
علی اوجی	۲	جوکر خانوادگی - کارناوال
بهزاد خلج	۲	اجل معلق - آبان
نعیمه نظام‌دوست	۲	جوکر - آرزوهای چپکی
مهسا طهماسبی	۲	کارناوال و کارناوال‌تر- جوکر
نازنین بیاتی	۲	تاسیان - قطب شمال
ژاله صامتی	۲	جوکر - قهوه پدري
مهسا حجازی	۲	تاسیان - افعی تهران
پیمان معادی	۲	ازازیل - افعی تهران
امیرمهدی ژوله	۲	کارناوال - صداتو
حامد آهنگی	۲	مافیا - قهوه پدري
مهرداد صدیقیان	۲	جان سخت - داریوش
مجید یوسفی	۲	جان سخت - تاسیان
نسرین مقانلو	۲	جان سخت - داریوش
عباس جمشیدی‌فر	۲	داریوش - اجل معلق
سحر دولتشاهی	۲	افعی - داریوش
الهام پناه‌نژاد	۲	گردن‌زنی - شکارگاه
سمیرا حسن‌پور	۲	جزر و مد - گردن‌زنی